**نامه تحلیلی و دعوت‌نامه از کاندیداهای دوره چهاردهم انتخابات ریاست‌جمهوری**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**إنّي مَسؤولٌ و إنّكُم مسؤولُونَ**

 باتوجه‌به در پیش بودن انتخابات نامنتظره دوره چهاردهم ریاست‌جمهوری، نکاتی چند از جانب بسیجیان خمینی و خامنه‌ای به نظر می‌رسد که خدمتتان عرض خواهد شد.

 باتوجه‌به بیانات موجودی که از جانب کاندیداهای محترم مطرح می‌شود، این نکته اساسی که گویا تفقدی بر عمق بحران‌های فعلی جامعه از طرف کاندیداهای رقابت انتخابات وجود ندارد، محرز است. تا زمانی که از طرف نیروهای حاضر در صحنه، ایده مشخص و چشم‌انداز قابل ارائه‌ای به جامعه وجود نداشته باشد، بالتبع تفسیر و تحلیلی از شرایط کنونی کشور و پرداخت به امکان‌ها و راه‌حل‌ها از دریچه وضع موجود صورت نمی‌گیرد و منازعات و بحث‌های میان نیروهای سیاسی، در حداقلی‌ترین سطح ممکن و پیرامون مسائل حاشیه‌ای است. این منازعات به نظر در یک سطحی‌نگری و به‌دوراز نگاه‌های کلان و راهبردی، بدون توجه و تحلیل از وضعیت فعلی، بدون چشم‌اندازی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، در دعواهای زرد ارائه "برنامه - کارنامه" یا طرح‌های شکست‌خورده‌ای چون بازگشت به FATF " " و یا میدان دادن به شخصیت‌هایی که "برجام" را رقم زدند، محصور مانده‌اند.

 در واکاوی نیروها و گفتارهای موجود در صحنه فعلی انتخاباتی، سه نوع حضور، متأثر از همین وضعیت وجود دارد که به نظر می‌رسد اجمالاً هر سه از اینکه عهده‌دار مسئولیت دولت شوند ناتوان هستند و برای اینکه بتوانند به حضور خود عمومیت ببخشند نیاز به بازنگری در نوع حضور خود دارند؛ در ادامه اجمالاً به شکل حضور این سه نیرو پرداخته خواهد شد.

 اول، گفتمان نمایندگی کلان ایده‌های متمایز از طرح کلی جمهوری اسلامی است که این جریان به نظر در سیاست خارجی و داخلی و بالتبع در اقتصاد و فرهنگ، رویکردهای کاملاً متفاوت از جهت‌گیری کلی جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند. این جریان به نظر در جلب‌توجه سلایق مختلف، قصد دست گذاشتن بر نقاطی دارد که در پیشبرد پروژه‌ها و کلان ایده‌های خودشان، قابل‌رجوع هستند. این گفتمان که تاکنون تجربه‌های شکست زیادی در حافظه تاریخی ملت ایران دارد که موید آن شاید ایده "گفتگوی تمدن‌ها" و "برجام" باشد.

 دوم، گفتمان کارآمدی که این جریان به نظر در زمینه اتخاذ سیاست‌های حوزه خارجی و داخلی تقریباً طرح متمایزی از ایده‌های موجود را دنبال نمی‌کنند و نحوه اداره دستگاه دولت را به‌مثابه مجری قوی و پرکار و با کارنامه می‌فهمند که البته در اتخاذ یک سیاستِ افق ساز در جامعه ناتوان است. این گفتمان به نظر رسالت خود را در حل برخی پروژه‌های زمین‌مانده و شاید حل‌نشده می‌بیند، این رویکرد به نظر در کوتاه‌مدت جوابگوی وضعیت فعلی کشور است؛ اما در بلندمدت محل تردید است.

 سوم، گفتمان طرح و برنامه که این جریان هم دارای نگاهی خاص، و بعضاً متمایزتر از ایده‌های جمهوری اسلامی است که این خلوص‌گرایی آنها را از حرکت کامل در مسیر پیش‌رو، باز می‌دارد و امکان بروز تعارضات در لایه‌های راهبردی بین کلان پروژه جمهوری اسلامی و ایده‌های این گفتمان را بالا می‌برد چرا که هم احتمال تعارضات بین دستگاهی در اجرای طرح‌ها هست و هم توان عمومی شدن را نخواهد داشت. این گفتمان با ارائه هزاران صفحه طرح و برنامه‌ی اجرا نچشیده برآمده از اندیشکده‌های مختلف، به نظر در فکر حل مسائل از طریق اجرای طرح‌های مختلف است.

 انقلاب شکوهمند اسلامی بر پایه شعارهایی فطری که نسبت عمیق و وثیقی با تمام مردم جامعه داشت، شکل گرفت و مردم ایران اسلامی، با خواسته‌ای مشخص فریاد خود را به گوش همه جهان رساندند. می‌توان گفت انقلاب‌های دنیا همواره در همه جای دنیا به دست مردم اتفاق افتاده و هیچ انقلابی برای خواسته‌ای خلاف اراده مردم شکل نگرفته است، اما تمام انقلاب‌های دنیا پس از پیروزی، جای مردم را به احزاب و گروه‌ها داده و مردم را از صحنه نقش‌آفرینی خارج کرده‌اند. اما در انقلاب اسلامی با آرمانِ مردم‌سالاری دینی، همان مردمی که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند، در ساخت و پیشبرد این نظام هم نقش اصلی و اساسی دارند. فلذا استقلال، آزادی، عدالت، پیشرفت و تمام اهداف و آرمان‌های ترسیم شده در نظام اسلامی به‌وسیله تکیه بر عنصر مهم مردم شکل خواهد گرفت.

 تجربه سال‌های اول انقلاب در به‌کارگیری و فعال‌شدن ظرفیت‌های عظیم مردمی در عبور از بحران‌ها و حل مسائل کشور، مؤیدی بر این مدعاست که انقلابِ مردم، می‌تواند به‌وسیله خود مردم ساخته شود. دفاع مقدس، جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی از الگوهای موفق ایفای نقش مردمی در عرصه‌های مختلف دفاعی و سازندگی هستند که ابتکار امام راحل عظیم‌الشأن در ایجاد فناوری‌های مردم‌محور، صحنه جدیدی را پیش روی همگان باز کرد و الگوی موفقی از آن را ارائه داد. البته که پیچیدگی‌ها و مولفه‌های چندگانه وضعیت فعلی کشور و مسائل اقتصادی امروز جمهوری اسلامی که با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، ابتکار عمل بیشتر و دقیق‌تری جهت این امر می‌طلبد، اما این عرصه قطعاً دچار انسداد نیست.

 امروز حل بحران‌ها و مسائل جمهوری اسلامی، از مسیر فهم دقیق و درک وضع فعلی در جمهوری اسلامی می‌گذرد. به نظر در موقعیت کنونی عدم اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت بحرانی از چند حیث قرار داده است.

 بحران عمیق امروز ایران، بحران مشارکتی است که مردم را از صحنه جمهوری اسلامی، در تمام عرصه‌ها کنار زده است. امروز دیگر برخلاف آرمان "حاکم کردن مردم بر سرنوشت خویش"، مردم فاقد چشم‌انداز حقیقی برای مشارکت فعالانه و حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هستند و سیاستمداران هم در ذیل این بحرانِ رخ‌داده، ناتوان از ترسیم افق‌های سیاسی و بالتبع "نمایندگی" اراده‌های مردمی و شکل‌دهی به یک امر ملی جهت تحقق و ترسیم آینده ایران می‌باشند. بحرانِ عدم مشارکت، شکاف اجتماعی و عدم حضورِ یک مردم فعالِ مؤثرِ متحدِ متعهد به انقلاب اسلامی، بالتبع عمیق‌تر از مشکلاتی چون تورم و بیکاری و گرانی است.

 باید توجه داشت که نقاط عزیمتی استثنایی در سالیان اخیر قابل‌مشاهده می‌باشد که منجر به حضور حماسی مردم در صحنه شده است؛ مردم در صحنه تشییع باشکوه پیکر سردارِ شهید قاسم سلیمانی احساس کردند می‌توانند در مبارزه و شهادت با سردار شریک شوند. و یا در وقایع پس از شهادت آیت‌الله رئیسی نشان داده شد که عهدی که مردم با انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی دارند، نوعی میثاقی ملی و معنوی است که حول این عهد جمع می‌شوند و کماکان انتظار دارند که دولتی در تداوم این عهد به منصه ظهور برسد. آنچه باید موردتوجه سیاستمداران جبهه انقلاب باشد، امتداد این نوع تصمیم‌گیری‌های متهورانه، صداقت در خدمت و جهاد مقدس باشد که تنها در چنین عرصه‌ای است که می‌توان، مردم را در راستای آرمان‌های راستین انقلاب اسلامی بسیج نمود.

 در توجه به این مسئله باید بیان کرد که "مردمی‌بودن" رکنی است که شکل خاصی از موجودیت جمهوری اسلامی را توضیح می‌دهد. جمهوری اسلامی، با ذاتِ مردمی‌بودن، بدون مردم، دیگر جمهوری اسلامی نیست که بخواهیم درباره بحران‌های شکل‌گرفته ناشی از مسائل سطحی دیگر صحبت کنیم.

 بدون مردم در وقوع و تداوم انقلاب اسلامی، از موجودیتی مانند سایر کشورهای جهان صحبت می‌کنیم که در عادی‌ترین حالت، در یک فرایند عادی دچار مسائل و مشکلاتی شده است که باید با سازوکارهای موجود و علمی جهانی حل شوند. درصورتی‌که انقلاب اسلامی خود را عیناً با اجتماع افراد و مردمِ حاضر شکل داده و نیازمند هر دو رکن "مردم" و "نظام" در بستر ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی ایرانی است، و نظام اسلامی تا زمانی نیرومند است که ایده و ارزش‌های انقلاب اسلامی جدای از مردم پیش نرود.

 اما فارغ از توجه به مثال‌هایی چون شهادت شهید سلیمانی و رئیسی و همچنین عملیات وعده صادق که توانستند، نقطه خلق "تصمیم" باشند و حول خود مشارکتی خلق کنند، اما آنچه در روندهای عادی کشور جلو می‌رود، امر دیگری است.

 در تحلیل عوامل رقم زننده این وضعیت، باید توجهی به فرایندهای رقم خورده در تاریخ چندساله جمهوری اسلامی داشت. دهه هفتاد و هشتاد با وجود شکل‌گیری افق‌های سیاسی نو هرچند قابل‌نقد، اما امکان تخاطب با مردم فراهم شد که اراده‌های مردمی، متناسب با تصمیمات و راهبردهای سیاستمداران توانسته بود امکان‌هایی در نقش‌آفرینی رقم بزند؛ البته باید توجه داشت که همچنان در تجسد و تعین بخشیدن به این امر موفقیتی کسب نکرد که اصلی‌ترین عامل آن بی‌تعهدی سیاسی و اخلاقی جریان غرب‌گرا به موازینی بود که مردم جمهوری اسلامی به آن پایبند بودند که موجبات شکل‌گیری فتنه ۸۸ را فراهم آوردند.

 پس از جریانات سال ۸۸ و شروع دهه ۹۰ سیاستمدارانِ ناتوان در به تعین رساندن اراده‌های مردمی، موجبات قرارگیری جمهوری اسلامی در وضعیتی جدیدی را فراهم آوردند. آغاز پروژه امنیتی‌سازی، سیاست‌زدایی و عادی‌سازی جمهوری اسلامی، با حضور دولت مستعد این پروژه که برآمده از نارضایتیِ متأثر از وضعِ پیشین بود، در دهه ۹۰ اوج گرفت. آنجا که یک توافقنامه امنیتی - سیاسی مانند برجام، در گفتار عمومی تبدیل به یک امکان سیاسی می‌شود، خود بر گسترش این سازوکار می‌دمد. پروژه امنیتی‌سازی و سیاست‌زدایی در دهه ۹۰ در لایه‌های عمیق از جامعه، دانشگاه و فضاهای نخبگانی پیگیری شد.

 بحرانِ ناشی از این وضعیت، منجر به موقعیتی شده که امکان مشارکت و حضور واقعی مردم در شکل‌گیری یک حرکت عمومی برای ساخت ایران کم‌رنگ شده است. موید این ادعا را در رسیدن به مشارکت‌های زیر ۵۰ درصدی در ۳ انتخابات اخیر، در شکل‌گیری جریانات بلوای ۱۴۰۱ و انسداد دیالوگ ملی و شکاف اجتماعی که منجر به عدم روزنه‌های امید و افق گشا در جامعه شده است، می‌توان دنبال کرد.

 اما در دوران شخصیت‌هایی که خود را حقوق‌دان می‌دانستند و ادعای رفع تمامی تحریم‌ها و بهبود وضع اقتصادی ایران را داشتند، شکست پروژه کدخدا و اعتماد به ایادی غربی در مشکلات نقطه عطفی در شکست پروژه عادی‌سازی جمهوری اسلامی در اذهان عمومی بود.

 عملیات قهرمانانه «وعده صادق»، جمعیت قابل‌توجه تشییع رئیس‌جمهور و وزیر خارجه فقید، استاندار محبوبِ آذربایجان شرقی، امام‌جمعه خوش‌نام تبریز و کادر شریف حفاظت و پرواز، و نیز شکستِ مفتضحانه مدافعانِ تحریم و تهدیدِ ایران و حامی و وابسته رژیم صهیونیستی بر قدرت حاکمیت جمهوری اسلامی افزوده و ما را در موقعیتی استثنایی قرار داده است که می‌تواند به امتیازات دیپلماتیک و اقتصادی و نقش‌آفرینی جدی ایران در منطقه منجر شود. اگر هوشمندانه سیاست‌هایی را جهت نقش‌آفرینی سیاسی و اقتصادی در موقعیت پس از جنگ غزه و همچنین اگر احساساتی که در لحظه شهادت و تشییع شهدای دولت در جامعه غلیان پیدا کرده بتواند در ادامه با سازوکارهای ذهنی و تبیینی در ساختار ادراکی جامعه تثبیت شود، انتخاب یک گزینه شایسته را به یک ضرورت اجتماعی مبدل می‌سازد که این امر می‌تواند در ترسیم یک افق سیاسی برای مردم به‌شدت مؤثر باشد.

 امروز سیاست خارجی جمهوری اسلامی در وضعیتی گذار به سر می‌برد و نیازمند اتخاذ یک سیاست جدید می‌باشد. در دولت شهید آیت‌الله رئیسی و اتخاذ سیاست همسایگی، عضویت بریکس و قرارداد ۲۵ساله با چین، شروعی برگزار از وضع قبل بود و با رقم‌خوردن طوفان‌الاقصی در هفت اکتبر و منجرشدن آن به عملیات غرورآفرین وعده صادق، ایران را در موقعیت جدیدی قرار داد تا بتواند ظرفیت‌های منطقه‌ای مقاومت را در راستای شکل‌گیری نظم سیاسی - اقتصادی - فرهنگی جدید در منطقه و افزایش بازدارندگی اقتصادی ایران فعال کند. این وضعیت درعین‌حال که می‌تواند منجر به ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی و سیاسی شود، در نحوه پرداخت به مسئله فلسطین و قدس شریف که از آرمان‌های اولیه و جدایی‌ناپذیر حمایت از مستضعفین در جمهوری اسلامی است، توانست امکان‌های جدیدی را در لایه‌های مختلف رقم بزند. در توجه چند بُعدی به ابعاد و لایه‌های مختلف سیاست خارجی، فهم مولفه‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار یکدیگر، استفاده از نیروی دیپلماسی عمومی و فرهنگی در جهت تحقق صدور انقلاب و هسته‌های مقاومت و انقلابی بین‌المللی، با وجود ظرفیت‌های شکل‌گرفته ناشی از دوران پسا هفت اکتبر که از نمونه‌های آن شکل‌گیری موج بیداری در دانشجویان اروپایی و آمریکایی است، مسئله بسیار حائز اهمیتی است که در دولت جمهوری اسلامی مغفول مانده است. اما در پرداختی به وضعیت نیروهای سیاسی حاضر در صحنه، به نظر توجه به هیچ‌کدام از بحران‌های عمیق و ظرفیت‌های شکل‌گرفته در وضع کنونی، وجود ندارد.

 همان‌طور که اشاره شد، برپایی جمهوری اسلامی، به‌مثابه تحقق عینی انقلاب اسلامی، نیازمند هر دو رکن نظام و مردمی است که درهم‌آمیختگی ناگسستنی‌ای دارند؛ لذا در وضعیت کنونی که به نظر بحران مشارکتِ واقعی و شکاف میان نظام و مردم، خود را بروز داده، به جهت عبور از این تنش نمی‌توان یکی را فدای دیگری کرد. اینجاست که باید به نحوی میدان گفتگو و دیالوگ میان این دو برقرار شود، تا در این چالش و رفت‌وبرگشت میان این دو، افقی تازه و روزنه‌ای جدید، برای رقم‌خوردن مشارکت دوباره و احیای حرکت عمومی، برای کلیت جمهوری اسلامی رقم بخورد. در این شرایط گروهی که "مردم" ندارد و مدعی سیاست باشد، عملاً مسئولیت خود را گم کرده و امکانی برای تحول ندارد. در این نقطه بیان طرح و برنامه و یا کارآمدی‌های ناشی از کارنامه و حتی بیان گفتارهای شکست‌خورده نمی‌تواند به تحقق یک گفتار در حوزه عمومی تبدیل شود.

 اینجاست که سخن و ایده سیاستمدار واقعی بین مردم می‌چرخد، به موضوع گفتگوها تبدیل شده، و همین کلمات است که به مسئله مشترک مردم و سیاستمدار تبدیل خواهد شد و آنگاه قابلیت تبدیل‌شدن به خیر و گفتار همگانی را دارد که حوزه عمومی را تشکیل می‌دهد. حوزه عمومی بستری برای طرح مسائل اساسی جامعه فراتر از مسائل خصوصی و گروهی است که از تخاطب مستمر سیاستمدار و مردم در لایه‌های مختلف رقم می‌خورد. تجربه این‌چنین رخدادی در دهه ۶۰ با «مردمی‌بودن» ناشی از بنیادهای اصلی انقلاب اسلامی که حامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول حاکم بر رفتار و عملکرد مسئولین که نشئت‌گرفته از نحوهٔ زیستن و سلوک فردی و اجتماعی آنها بود، قابل‌درک است. مفهوم مردم و درک عمیق از نسبت آن با دولت، نیازمند پیوند عمیق با قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی دارد که حق حاکمیت الله را به مردم تفویض کرده، و بدون مردم دولتی را متصور نیست.

 در دوران کوتاه ریاست‌جمهوری شهید، آیت‌الله رئیسی نیز تلاش‌هایی جهت عمومیت بخشیدن به گفتارهای اصیل انقلاب اسلامی که شخص ایشان توانسته بود درک و آمیختگی با این گفتارها پیدا بکند، صورت گرفت و این برخواسته از درک واقعی نیاز به مردم، و فهم عمیق بحران عدم مشارکت و حضور مردم در دوران کنونی بود.

 مسئله دیگری که قابل‌توجه است، غایب‌بودن نهاد "دولت" در امروز جمهوری اسلامی است.

 دولت به‌واسطۀ انتخاب مردم قدرت را در دست می‌گیرد و پیگیر موجودیت امروز و آیندۀ مردم و کشور می‌شود و ذیل این موجودیت، نقطه رسمی پیگیری امورات کشور است. اما مقدم بر هر کدام از امور جزئی ادارۀ کشور، دولت مسئولیت کل ایران را بر عهده می‌گیرد؛ یعنی همهٔ آن چیزی که به ایران مربوط شود متوجه اوست. تصویر دولت، تصویر موجودی است که به موضوعات مختلف توجه می‌کند؛ ولی این موضوعات در پراکندگی خود فاقد جهتی اساسی هستند. هیچ اقدامی تبدیل به تصمیم اساسی نشده است. در این شرایط، لازمه تحقق مشارکت، وجود "دولت" قوی و مقتدری است که توان ایجاد حرکت عمومی و نمایندگی همه‌جانبه ملت را دارد. در این صورت است که دولت، تبدیل به یک نهاد مرجع و محل تجمیع اراده‌ها و تصمیمات خواهد بود. گفتمان "کارآمدی" و "برنامه" تنها در این بستر امکان ظهور و بروز خواهد داشت که در غیر این صورت این گفتارها، تنها در پیگیری امور جزئی همچون ساخت ریل و راه‌آهن و یا صادرات گوجه‌فرنگی، پیگیری خواهد شد. اگر نهاد دولت زنده باشد، آن زمان می‌تواند متناسب با ایده و طرح کلانی که برای جمهوری اسلامی دارد، تصمیم بگیرد، اجماع نخبگانی ایجاد کند، و افکار عمومی را نیز اقناع کند. البته پر واضح است که منظور از احیای نهاد "دولت"، ورود قوه مجریه به همه عرصه‌ها و گسترش آن و یا حتی کوچک‌شدن آن به‌گونه‌ای که از این ادعا این برداشت صورت بگیرد که نظارت دستوری بر قیمت‌ها و یا گسترش و تصرف دولت در امور خصوصی صورت بگیرد، نیست.

 باتوجه‌به ترسیمی که از وضعیت فعلی جمهوری اسلامی صورت گرفت، درخواست‌ها و مطالباتی از کاندیداهای محترم به‌عنوان نیروهای سیاسی حاضر در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح خواهد شد و مستدعی است تا با حضور در دانشگاه پاسخگوی این مطالبات باشید:

 ۱. به‌عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی ایران، در لزوم احیای نهاد «دولت»، چه ایده و راهبردی را برای نمایندگی مردم و ایجاد اجماع بین نخبگان، دستگاه‌ها و نظام بروکراسی کشور، برای پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌های خود که منجر به تصمیمات راهگشا بشود را، دنبال خواهید کرد؟

 ۲. با نگاهی از دریچه وضع موجود، چه تصمیماتی را برای ساخت اقتصاد ملّی، راهبرد اقتصادی در جهان جدید چندقطبی مانند جنس نگاه به شرق، جهش تولید با مشارکت مردمی، رفع معضلات اقتصادی مانند تورم، گرانی و بیکاری در پیش خواهید گرفت؟ سیاست «تولید» به معنای توجه به ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای مانند مسئله کریدورها و قرارگیری ایران در زنجیره ارزش جهانی و منطقه‌ای، فعال‌سازی فرصت‌های ژئوپلیتیکی، جهش فناوری و تولیدات دانش‌بنیان، گسترش صنایع خرد و سنگین و مقوله سیاست صنعتی چه جانمایی در دولت شما دارد؟

 ۳. مسئله سیاست خارجی و محور مقاومت، شکل‌گیری و تشکیل کمربند اقتصادی - سیاسی - فرهنگی - اجتماعی جبهه مقاومت، توجه به آرمان قدس شریف و صدور جهانی انقلاب با رویکردی مبتنی بر حضور فعالانه در دیپلماسی عمومی با بینشِ پسا هفت اکتبر و پسا وعده صادق، در دولت شما چگونه دنبال خواهد شد؟

 ۴. باتوجه‌به وضع نامطلوب شکاف‌های اجتماعی و لزوم ایجاد حرکت عمومی و مشارکت واقعی مردم که مکرراً در سالیان اخیر توسط مقام معظم رهبری، وجوب آن مورد تأکید قرار گرفته است، چه عملی را که منجر به وفاق ملی شود و مشارکت حقیقی مردم را در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رقم بزند، در دستور کار خود قرار خواهید داد؟

 و من الله التوفیق

 بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

 بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف

 بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت

 بسیج دانشجویی دانشگاه خواجه‌نصیر

 بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی

 بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر